



شروع رسالت حضرت خاتم(ص) را می توان

شروع تحولات همه‌جانیه فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و از منظری دیگر شروع تحولات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دانست. در این مقاله سعی می‌شود به روش مطالعه تاریخی- تطبیقی و با تکنیک کتابخانه‌ای، به مطالعه و بررسی منابع موجود و تحلیل آنها پرداخته و نشان داده شود پیامبر اکرم(ص) در رویارویی با چالش‌های پیش روی جامعه آن روز حکومت اسلامی جهت نیل به پیشرفت و توسعه، از راهبرد «تشکیل یک امت واحد، یکپارچه و منسجم» بهره گرفتند و با توجه به یافته‌های این مقاله مبنی بر اینکه مهم‌ترین معضلات پیش روی جوامع اسلامی در عصر حاضر جهت نیل به ترقی و پیشرفت نیز از همان جنس است، نتیجه‌گیری می‌شود برای برطرف کردن آنها می‌توان از همان استراتژی استفاده کرد. در نتیجه می‌توان رسول خدا(ص) را به عنوان یک الگو برای رهبران و دولتمردان کشورهای اسلامی مطرح کرد تا با تأمل در جزئیات زندگی و نحوه حکومتاری ایشان، فنون و روش‌های مورد استفاده ایشان جهت ایجاد همبستگی اجتماعی و سیاسی شناسایی و به‌روز شده و مورد استفاده قرار گیرد.

■ **مقدمه**

اگرچه مساله «پیشرفت ملل مسلمان» یک موضوع حائز اهمیت در تمام عصرها بوده است، اما امروز اهمیت این مساله صدچندان شده است، زیرا واقعیات امروز جهان اسلام حاکی از عدم توسعه‌یافتگی تقریباً تمام ملل مسلمان است و در مقابل، کشورهایی که تقدیات دینی، جلوه به ظاهر بسیار کمتری در عرصه اجتماعی آنان دارد، پله‌های علوم روز، پیشرفت دنیوی و ترقی مادی را یکی پس از دیگری پیموده‌اند. توجه به این واقعیت تلخ ممکن است موجب تبادر این موضوع به ذهن شود که بین دین، بویژه دین اسلام و پیشرفت و توسعه، تقابل و تضاد وجود دارد. متأسفانه این مساله از چشم دین‌ستیزان پنهان نمانده و دستاویز نظریه‌پردازان لائیک قرار گرفته تا دین را افسرده و توده‌ها و عامل عقب‌ماندگی مسلمانان معرفی کرده و ملازمه‌ای دینمداری و عقب‌ماندگی را تئوریزه کنند. از سوی دیگر، آموزه‌های دین اسلام بسر این دلالت دارد که «اسلام کامل‌ترین دین الهی است.» «دین اسلام ضامن سعادت و حیات دنیوی و اخروی بشر است.» «قرآن کتاب هدایت بشر است تا پایان دنیاست که عمل به آن ضامن سعادت بشر است» و موارد دیگر. این آموزه‌ها که جزو اعتقادات اساسی مسلمانان به حساب می‌آید با واقعیات ذکرشده فوق همخوانی ندارد. در این مقاله سعی می‌شود نشان داده شود اولاً، اسلام قابلیت تمدن‌سازی داشته و می‌تواند ملل مسلمان را به پیشرفت و تعالی دنیوی برساند؛ ثانیاً، در مسیر پیشرفت و توسعه ملل مسلمان، پیامبر اعظم(ص) اقدامات تعالی‌بخش و تمدن‌ساز ایشان الگوی بسیار مناسبی برای تبعیت کردن است. همچنین در پایان مقاله نتیجه‌گیری می‌شود عدم پیشرفت ملل مسلمان ارتباطی با دین و آموزه‌های آن نداشته، لذا باید علت عقب‌ماندگی مسلمانان را در جای دیگری جست‌وجو کرد.

■ **قابلیت تمدن‌سازی و تعالی‌بخشی دین اسلام**

جهت نشان دادن قابلیت دین اسلام در ایجاد یک تمدن عظیم و پیشرفت‌دهنده مسلمانان، بهترین راه نشان دادن این نکته است که در عمل این واقعه محقق شده است. به عبارت دیگر، اگر بتوان نشان داد اسلام با ظهورش پایه‌های تمدنی را بنا نهاد که طی چند قرن به اوج بالندگی و شکوفایی رسید، قابلیت تمدن‌سازی دین اسلام به اثبات رسیده است. با مراجعه به منابع تاریخی و مقایسه وضعیت جزیره‌العرب در دوران قیل و بعد از ظهور اسلام، به وضوح مشاهده می‌شود این دین الهی تحولات عظیم و تأثیرات شگرف فردی و اجتماعی را در اعراب آن روزگار ایجاد کرده است که گستردگی ابعاد زمانی و مکانی آن به همراه عمق وسیعش همگی دل‌برایجاد یک تمدن جدید و در عین حال عظیم و جهانی است. به عنوان ارئه شهادی بر این مدعا، «وستوا لوبون»

بسیار تنش‌زای موجود بین ۲ قبیله بزرگ شهر مدینه، یعنی اوس و خزرج، حکومت پیامبر(ص) را تهدید می‌کرد.
- ناهمگونی ترکیب ساکنان مدینه: تازه‌مسلمانان غیرساکن در مدینه و بویژه مکیان که به فرمان پیامبر(ص) مأمور به مهاجرت به این شهر شدند(شایان توجه است این چالش و چالش نخست اگر چه ماهیت فرهنگی- اجتماعی دارند اما همانطور که توضیح داده شد، تهدیدات آنها بیشتر جنبه سیاسی داشته است).

- تحركات یهودیان مدینه: قباایل یهودی(مانند یهودیان خیبر) از تحولات شکل گرفته و تشکیل حکومت اسلامی و حاکمیت پیامبر(ص) بر شهر رضایت چندانی نداشتند.
- اشرفای گری و فخرفروشی: امتیازات اشرفای و فخرفروشی‌های قومی و قبیله‌ای موجود در جامعه آن روز جزیره‌العرب از مهم‌ترین معضلات پیش روی جامعه مسلمان بود.

- رسوم جاهلی و فرهنگ خرافی: اوضاع اجتماعی شهر مدینه متأثر از رسوم جاهلی متعدد دیگر و فرهنگ خرافی بود که سدره پیشرفت و ترقی جامعه اسلامی بود که از آن جمله می‌توان به ننگ دانستن داشتن دختر اشاره کرد.

- ظلم و بی‌عدالتی: وضعیت اجتماعی حکومت اسلامی، همچنین تحت تأثیر شرایط نابسامان حقوقی بود که به ظلم و بی‌عدالتی دامن می‌زد. به عنوان مثال اشرف، حقوق زیردستان و قباایل قوی، حقوق اقوام ضعیف را پایمال می‌کردند و قضاوت‌ها به نفع زورمندان رقم می‌خورد.

پ- **چالش اقتصادی**

- فقر و بیکاری: پس از تشکیل حکومت اسلامی و مهاجرت مسلمانان سایر مناطق به این شهر، وضع اقتصادی آن دچار مشکل شد، زیرا مهاجران به‌طور مخفیانه و شبانه‌خانه و کاشانه خود را ترک کرده و به سمت این شهر حرکت کرده بودند، لذا بسیاری از اموال و دارایی آنها در شهر خودشان باقی مانده بود و با توشه اندکی به مدینه آمده بودند، بنابراین به‌رغم افزایش جمعیت شهر مدینه، امکانات اقتصادی این شهر بسیار محدود شده بود و در واقع سرمایه سرانه موجود بسیار کاهش یافته بود که به افزایش بیکاری و بروز فقر شدید می‌انجامید.

- تحریم‌ها و محدودیت‌های مناسبات اقتصادی: از سوی دیگر، حکومت نوپای اسلامی از سوی مشرکان

و همچنین یهودیان با تحریم‌ها و محدودیت مناسبات اقتصادی مواجه بود که فشارها و مشکلات اقتصادی را ازض مضاعف کرده و خطر ناامنی سیاسی را به همراه داشت. پیامبر اکرم(ص) به عنوان حاکم جامعه مسلمانین اقدامات متعددی انجام دادند تا این چالش‌ها را مرتفع کنند که مهم‌ترین این اقدامات عبارت‌اند از:

الف- پیمان برادری بین مسلمانان

رسول خدا(ص) در همان سال اول هجرت، پیمان برادری(عقد اخوت) را بین مهاجران و انصار منعقد کرد. این پیمان سبب شد افکار و سنت‌های غیراخلاقی نظیر برتری ثروتمند بر فقیر، سفید بر سیاه، عرب بر عجم و مانند آن که جنبه فرهنگی و اجتماعی داشت، به یکباره کنار گذاشته شود. واضح است این همدلی و مدارا کردن و در کنار یکدیگر روزگار گذراندن ۲ فرد که از ۲ فرهنگ خاص و پیشینه‌های متفاوت بودند، ارزش‌های اخلاقی را ترویج کرد و سطح فرهنگی جامعه را ارتقا بخشید و به لحاظ اجتماعی هم تعاملات و همدلی‌ها را افزایش داد. همچنین این پیمان، وحدت جامعه اسلامی را تقویت کرد، زیرا طبق یکی از مفاد آن، انصار باید از بردارن مهاجر خود حمایت و پشتیبانی کنند. از سوی دیگر، این پیمان تأثیرات اقتصادی قابل ملاحظه‌ای در پی داشت، زیرا یکی از مفاد آن ارزشبری ۲ برادر از یکدیگر به‌رغم وجود ارحام بود که البته این قانون بعداز جنگ بدر توسط آیه «اولوالا‌رحام بعضهم اولی‌بعض» منسوخ شد. همچنین در برخی منابع تاریخی ذکر شده است از مفاد این پیمان سهمین شدن مهاجر در اموال فرد انصاری بود. بدین ترتیب نیروی انسانی بالقوه موجود در جامعه مسلمانین فعال شد.

ب- **تدوین قانون اساسی مدینه‌النبی**

نظامنامه شهر مدینه با همان قانون اساسی دولت اسلامی، یک قرارداد اجتماعی بود که توسط شخص پیامبر اکرم(ص) تنظیم شد و به تصویب ساکنان شهر مدینه‌اعم از مسلمان و یهودی رسید. مهم‌ترین مفاد این نظامنامه عبارت بود از:
- مسلمانان و یهودیان مانند یک ملت در مدینه زندگی خواهند کرد.
- مسلمانان و یهودیان در انجام مناسک دینی خود آزاد هستند.
- آخرین مرجع اختلاف، شخص پیامبر خواهد بود.
- یهودیان مدینه مالک دارایی خویش هستند.
- همه مردم در حقوق و تکالیف یکسان هستند و تفاوتی میان کوچک و بزرگ و ثروتمند و تهیدست نیست

نگاهی به بنیان‌های تمدن اسلامی در عصر نبوی

ارزش‌هایی برای امروز

- دکترابوالقاسم توحیدی‌نیا*

این نظامنامه حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، یهودیان را به رسمیت شناخته، لذا سبب ایجاد وحدت سیاسی، انسجام اجتماعی و شکوفایی اقتصادی در جامعه مسلمانین شد و با تعیین پیامبر(ص) به عنوان آخرین مرجع حل اختلاف، امنیت قضایی در مدینه برقرار شد و با یکسان تلقی شدن همه افراد در حقوق و تکالیف، سنت‌های اشرفای و تعصبات قومی و قبیله‌ای رو به کاهش نهاد.

ب- **حل اختلافات داخلی**

از دیگر اقدامات رسول خدا(ص) در مدینه، ایجاد آشتی و برقراری صلح میان ۲ قبیله بزرگ متخاصم اوس و خزرج بود که اختلافات چندصدهساله آنان، سبب کشته شدن هزاران نفر شده بود و توان قابل ملاحظه‌ای از نیروی انسانی اینن ۲ قبیله را صرف جنگیدن کرده بود، لذا به کارهای اقتصادی که سبب بالندگی و شکوفایی اقتصاد آن شهر می‌شد، نمی‌پرداختند و در نهایت، بسیاری از نیروی انسانی لازم جهت نیل به توسعه، در جنگ کشته می‌شدند.

ت- **بنای یک پایگاه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی**

دستور ساخت مسجدالنبی، از جمله اقدامات اولیه اما اساسی پیامبر اکرم(ص) به شمار می‌آید، زیرا در این مکان علاوه بر برپایی نماز جماعت، ملاقات‌های عمومی رسول خدا(ص) نیز صورت می‌گرفت و محلی برای کارهای فرهنگی پیامبر و برپایی جلسات سیاسی و نظامی ایشان هم بود. از سوی دیگر، مسجدالنبی مکانی شد برای آنکه اهل صفه که عبارت بودند از جمعی نیازمند و درماده، در قسمتی از آن بیتوته کنند و از تأمین اجتماعی که پیامبر اکرم(ص) پایه‌گذار آن بود، بهره‌مند شوند.

ث- **تبلیغ کلامی و رفتاری**

سیره کلامی و رفتاری رسول خدا(ص) نیز در رفع چالش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برشمرده شده فوق، بسیار مؤثر بود. برای مثال ایشان در ساخت مسجدالنبی و کانال خندق مشارکت فعال داشتند که این خود اقدامی جهت برچیده شدن رسوم جاهلی و اشرفای‌گری به حساب می‌آمد. بنا بر آنچه راجع به چالش‌های پیش روی حکومت نوپای اسلامی و اقدامات رسول خدا(ص) جهت برطرف کردن آنها ذکر شد، به وضوح مشخص می‌شود ایشان نابسامانی‌های پیش روی جامعه اسلامی را بخوبی شناسایی کرده و با به‌کارگیری راه‌حل‌های ابتکاری متفاوت، سعی کردند آنها را برطرف کنند اما آنچه از اهمیت بسزایی برخوردار است، آنکه پیامبر اکرم(ص) در رویارویی با چالش‌ها از یک استراتژی واحد بهره گرفتند، اگرچه تاکتیک‌های مورد استفاده سطوح متنوع بود. استراتژی مورد استفاده ایشان «تشکیل یک امت واحد، یکپارچه و منسجم» بود.

■ **پیامبر اکرم(ص): الگوی کشورهای مسلمان**

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است، آیا استراتژی مورد استفاده رسول خدا(ص) استراتژی مناسبی برای ایجاد ترقی و پیشرفت در ملل مسلمان این عصر نیز هست؟ پاسخ به این سوال، مستلزم بررسی وضعیت کشورهای مسلمان به لحاظ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. این ویژگی‌ها به شرح ذیل است:

الف- وضعیت سیاسی

در بسیاری از کشورهای اسلامی، اختلافات و تنش‌های داخلی که منشأ قومی- قبیله‌ای، سیاسی یا منشأ مذهبی دارد، ثبات سیاسی لازم مستلزم پیشرفت و توسعه را مختل کرده و امکانات، نیروها و سرمایه‌ها را به‌جای به‌کارگیری در مسیر پیشرفت، به بیراهه و باتلاق اختلافات و نزاع‌های داخلی کشانده است. همچنین در برخی کشورهای اسلامی که تنش‌های سیاسی داخلی کمتری دیده می‌شود، حکومت‌ها درگیر اختلافات مزری شدید یا درگیر انواع دیگری از تنش‌های سیاسی خارجی هستند که سرعت پیشرفت و توسعه را بشدت کند کرده و استفاده بهینه از امکانات موجود را مختل می‌کند.

ب- **وضعیت اجتماعی**

وضعیت اجتماعی کشورهای مسلمان، تحت تأثیر ویژگی مشترک آنها که همانا عدم توسعه‌یافتگی است، اشتراک‌های فراوانی دارد. برای مثال در اکثر



روزنه

پندهای امام علی (ع)

درباره آمادگی برای مرگ

«ایها الناس! إنما دنیا دار مجاز، و الاخره دار قرار؛ ای مردم! دنیا سرای گذر است و آخرت خانه قرار و همیشگی». (حضرت علی(ع)/خطبه ۲۰۳ نهج‌البلاغه)

ای مردم! دنیا محل عبور است و شما در آنجا درنگ‌ندارید و پیوسته در حرکت هستید. الان در اینجا که ما نشستیم، نفس ما درنگ ندارد؛ بدن ما نشسته است ولیکن نفس در حرکت است. در این ساعت همگی حرکت کرده‌ایم، یک ساعت به جلو آمدیم، یک ساعت از زمان تولد ما گذشت و به زمان مرگ نزدیک شدیم و در تمام لحظات این ساعت در حرکت بودیم و بدون لحظه‌ای توقف، مسیری را طی کردیم. در این حرکت برای ما اختیاری نیست، چه خود در حرکت باشیم و راه برویم یا بنشینیم و سکونت داشته باشیم، بخوابیم یا بیدار باشیم، در هر حال این مسیر طی می‌شود تا آنکه به آن نقطه معهود که زمان مرگ ماست برسیم. اما آخرت جای سکونت و آرامش است، محل درنگ و اقامت است. در این دنیا که در حرکتیم و خسته و مانند آدم راه پیموده می‌خواهیم لباس خود را در منزل درآورده و استراحت کنیم، لذا در نقطه مرگ که حرکت سفر ما پایان می‌پذیرد، لباس کهنه شده، با جامه تجرد مخلع و آماده سکونت و استراحت خواهیم بود. «إن المرء إذا هلك قال

الناس: ما ترک؟ و قالت الملائکه: ما قدم؟»، انسان وقتی می‌میرد، مردم می‌گویند: از خود چه باقی گذارده است؟ و فرشتگان می‌گویند: چه برای خود پیش فرستاده است؟ چون مردم دنیا نظر به دنیا دارند و شخصیت و اعتبار را بر محور تعینات دنیوی از زن و فرزند و مال و شغل و عشیره و یاران می‌دانند، لذا از کیفیت موقعیت، در این مرز اعتبار سخن می‌گویند و تجلیل و بزرگداشت آنها از او اصل این محور دور می‌زنند، و به اختلاف این اصل در احترام و تکریم به او که غیر از جنازه او چیزی نمی‌پندارند، اختلاف می‌پذیرند. اما فرشتگان الهی نظر به ملکوت دارند و مقام و منزلت او را در آنجا بر اساس تقوا و فضیلت و معارف الهیه و علوم سرمدیه می‌دانند، لذا از موقعیت او در این حرم به گفت‌وگو می‌پردازند و احترام آنها نسبت به او با این اساس سنجیده می‌شود، و به اختلاف این اصل در تجلیل و بزرگداشت او -که همان نفس ناطقه ملکوتیه است و غیر از آن چیزی نمی‌دانند- به اختلاف درجات و مراتب و سکونت دادن او را در منازل مختلفه مشغول می‌گردند. «له اباؤکم فقدموا بعضا یکن لکم قرضاً و لا تخلقوا فلا فیکون قرضاً علیکم»، ای مردم! شما را به پدران تان سوگندا کمی برای سعادت خود برای آخرت پیش فرستید که آن در نزد پروردگار منان به‌عنوان قرض، ذخیره و محفوظ بوده و خداوند آن را به اضعاف مضاعفه به شما در روز نیاز رد خواهد کرد و همه در دنیا پشت سر خود نگذارید که سنگینی و وبال آن دامنگیر شما خواهد بود. مال‌هایی را که انسان در دنیا ذخیره می‌کند و به هر یک از آنها علاقه‌ای بهم می‌زند، تمام آن علاقه‌ها جمع شده و با جان او عقد می‌بندند و پیوند ناگسختنی برقرار می‌کنند و در وقت رحلت که می‌خواهد کوچ کند و قدرت بر حمل این اموال و تعلقات را با خود ندارد، آثار عقد و پیوند که جان او را در قید و بند درآورده است او را بشدت می‌کوبد و بر روان او سنگینی می‌کند، گویی تمام این اموال و تعلقات را بر شانه او گذاشته و او را مأمور حمل آن کرده‌اند.

«فخذا من ممرکم لمقرکم»، بنابراین از این راه تجاوز و سفر، برای آن خانه اقامت و استراحت توشه‌ای بردارید و ساز و برگی ببرید که در آنجا شما را به‌کار آید و مناسب آنجا باشد. چون در آنجا که عالم فعلیت و اقامت است تهیه غنا و توشه و وسائل استراحت محال است، چون تهیه این مواد را نمودن به‌واسطه حرکت است و آن در این دنیا نیست؛ محل استعداد و قابلیت و ظهور مراتب پایین از فعلیت است. کاری کنید که فعلیت شما خوب باشد و کارنامه قبولی به دست شما آید. در آن موقع شناسنامه شما را عوض می‌کنند و اسم دگری برای شما می‌گذارند؛ کاری کنید که آن اسم، مؤمن و صالح و متقی باشد نه کافر و طالح و متجری. اگر به طریق اول باشد آن درنگ پیوسته توأم با سرور و نشاط و بهجت و لذت خواهد بود و اگر به طریق دوم باشد آن اقامت مشحون به انواع گرفتاری‌ها و اندوه‌ها و مرارت‌ها خواهد بود. «و لا تهتکوا أسترارکم عند من یعلم أسرائکم»، حجاب‌های عفت و پرده‌های عصمت و مصونیت خود را از دستبرد شیطان و نفس اماره محفوظ دارید و آنها را ندرید، و در پیشگاه با عظمت خدایی که بر اسرار خفیه و رازهای پنهان شما آگاه است، آنها را پاره نکنید.

منبع: **سیدمحمد حسینی تهرانی-معادشناسی**